

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Historical

تاریخی

بازتایپ و ارسال از: لاله

## تاریخ حزب کار البانی

انستیتیوی تحقیقات مارکسیستی لنینیستی در جنب کمیته مرکزی حزب کار البانی  
چاپ «نعیم فراشری» تیرانا ۱۹۶۹

بخش بیست و هشتم

۰۶ می ۲۰۱۴

### روش حزب کمونیست البانی در مورد «بالی کمبتار» (جبهه ملی)

اعتلای پر جوش و خروش مبارزه ضد فاشیستی به رهبری حزب کمونیست، کلیه گروه ها و جریانات سیاسی را در البانی به حرکت در آورد. امواج خشم و جنبش ضد فاشیستی توده ها که در نبرد پارتنیستی تجسم می یافت باعث بحران سیاسی علاج ناپذیری در صفوف دشمن گردید. چنین بحرانی ممکن نبود طبقات ارتجاعی کشور و نمایندگان آنها را که سرنوشت خویش را با اشغالگران پیوند داده بودند، نیز فرا نگیرد. آنها از اعتلای انقلابی مبارزه ضد فاشیستی و رشد اعتبار حزب کمونیست به ترس مرگ دچار آمدند و مشاهده کردند که این پدیده ها تهدیدی برای امتیازات آنهاست. کنفرانس پزا و تشکیل جبهه رهائیبخش ملی ضربه سختی بر این طبقات بود. ارتجاع پس از این کنفرانس آژیر «خطر کمونیسم» را کشید و به مبارزه برای جلوگیری از آن دعوت کرد. نمایندگان بورژوازی ارتجاعی و مالکان بزرگ ارضی با پشتیبانی اشغالگران فاشیست در نوامبر ۱۹۴۲ با عجله به اعلام سازمان سیاسی که مستقیماً در مقابل جبهه رهائیبخش ملی قرار داشت و نام «بالی کمبتار» (جبهه ملی) یافت دست زدند و مدحت فراشی به اصطلاح میهن پرست را به رأس آن گذاشتند.

روشنفکران بورژوازی مرتجع، مالکان بزرگ ارضی و بازرگانان، اعضای روحانیت مرتجع، دهقانان ثروتمند و غیره به «بالی کمبتار» پیوستند. گروه ترسکیست ززاری نیز بدان ملحق شد.

«بالی کمبتار» مجمع ناهمگونی بود از جریانات مختلف سیاسی ارتجاعی، با سازمان پوسیده. انور خوجه این مجمع را چنین توصیف کرده است:

«بالی» ملغمه ای<sup>۱</sup>) است از عناصری با گرایش های مختلف و ناپایدار که همه به بازی با کلمه ناسیونالیسم دلخوش اند...» در داخل خود بند و بست چند تن ناسازگار است (... که هر که به هر خویش تیشه می زند)... بعضی طرفدار آند که برای یک عمل دلیرانه باید ۹۹ خدعه به کار برد. بعضی دیگر طرفدار آن اند که باید طبل بزرگ را به صدا در آورد و بعضی دیگر طرفدار جملات پر طمطراق، بدون آن که اقدام مشخصی در میان باشد<sup>۲</sup>

مایه وحدت اشخاص فقط منافع مشترک طبقاتی آنها و کینه آنها نسبت به حزب کمونیست و جنبش انقلابی توده ئی بود. «بالی کمبتار» بیدرنگ اعلام کرد که کنفرانس پزا را قبول ندارد و برنامه خویش را که عوام فریبی محض بود منتشر ساخت. رؤسای بالی با کلمات مطمئن از نبرد «به خاطر البانی مجهز به سیستم اقتصادی و اجتماعی عاری از استثمارگران و استثمار شوندهگان» لاف می زدند. آنها با عجله در کوهستان ها چند «دسته مخفی» به وجود آوردند که وظیفه شان نبرد به ضد اشغالگران نبود بلکه می بایست از عملیات رزمی و سیاسی واحد های پارتیزانی جلوگیری و سیاست «بالی» را تبلیغ کرده دهقانان را سر جای خود بنشانند. آنها «شورا های» «بالی کمبتار» در ده تشکیل دادند تا جانشین شورا های رهائی ملی بشوند. رؤسای «بالی» همچنین از بسیاری از وسائل و شکل های دیگر فعالیت که شبیه وسائل و شکل های فعالیت حزب کمونیست بود و محبوبیت بسیار یافته بود، استفاده کردند. آنها خود را «میهن پرستان سوزان» جا می زدند و آنگاه از خلق البانی می خواستند از نبرد مسلحانه با اشغالگران ایتالیایی دست باز دارد زیرا که چنین نبردی، به ادعای آنها، به نابودی خلق البانی منجر می گردید! شعار عمده «بالی» چنین بود: «منتظر لحظه مناسب» باشیم. بالیست ها به مبارزه دیوانه وار علیه جبهه رهائی بخش ملی و حزب کمونیست، علیه کمونیسم و اتحاد شوروی دست زدند.

یگانه هدف «بالی کمبتار» این بود که توده های خلق و به ویژه دهقانان را از حزب کمونیست جدا سازد، جبهه رهائی بخش ملی را از میان ببرد و جنبش رهائی بخش ملی را خاموش گرداند و قدرت سیاسی را در فرادای جنگ تماماً در دست گیرد.

«بالی» برای نیل به منظور های خود راه همکاری با اشغالگران را در پیش گرفت. کار دیگر نیز نمی توانست بکند زیرا که اولاً قصد وی در باره حزب کمونیست با قصد اشغالگران یکسان بود و ثانیاً فاشیست های ایتالیایی اجازه نمی دادند بالیست ها فعالیت مستقلی داشته باشند. معذک نفع هر دو طرف اقتضاء می کرد که این همکاری به هر قیمتی شده مخفی بماند زیرا که در غیر این صورت آنها به فریب کمی نائل نمی آمدند.

ظهور «بالی» وضع را در داخل کشور بغرنج ساخت. لنین می آموزد که اوضاع بغرنج لازمه انقلابند و انقلاب «پیوسته در طی رشد خویش شرایط فوق العاده بغرنجی را پیش می آورد»<sup>۳</sup>

در شرایط بغرنجی که پس از ظهور «بالی کمبتار» حاصل شده بود حزب کمونیست البانی می بایست با احتیاط، خردمندی و روش بینی بسیار عمل کند. حزب فقط با اتخاذ تاکتیکی کاملاً سنجیده در مورد «بالی»، می توانست موفقیت های به دست آورده را نگهدارد، پیوند های خود را با توده ها نزدیک تر گرداند، و به این طریق خلق البانی را در وصول به استقلال کامل ملی و ساختمان البانی دمکراتیک توده ئی رهبری کند.

حزب کمونیست به خوبی می دانست که «بالی کمبتار» مولود ارتجاع و ابزار اشغالگران فاشیست است. برخی از سازمان های پائینی حزب و حتی بعضی از کمیته های منطقه ئی، در برابر خرابکاری بالیست ها مصرانه خواستار آن بودند که علیه آنها دست به اسلحه برده شود.

۱- این کلمه در متن نامه به فرانسوی نوشته شده است (Ramassig)

۲- انور خوجه. نامه به کمیته منطقه ئی حزب کمونیست البانی در کورچا، جنوری ۱۹۴۳. آثار انور خوجه، جلد اول، تیرانا ۱۹۶۸، صفحات ۱۶۹ و ۱۷۱

۳- لنین، کلیات (چاپ فرانسه) جلد ۲۶، صفحه ۱۱۵

ولی کمیته مرکزی بر این اصل پافشاری می کرد که برای حزب پرولتاریا خطری بزرگتر از آن نیست که تاکتیک خویش را بر امیال ذهنی خود بنا نهد. انور خوجه در جواب کسانی که می خواستند فوراً به بالای اعلان جنگ داده شود از جانب کمیته مرکزی چنین رهنمود می داد:

«... صحیح است که این «بالی کمبتار» - هیأت تحریر) مانع بزرگی است زیرا بعضی از اعضایش که توانسته اند این فکر را در خلق پدید آورند که گویا یک سازمان ناسیونالیستی وجود دارد و کمونیست ها باید با آن تماس بگیرند و به توافق برسند در البانی از نفوذ شخصی برخوردارند، امری که هرگز نباید از دیده فرو گذاشت... فراموش نکنیم که در بین آنها عده زیادی از عناصر خوب ثابت قدم هستند که واقعاً آرزومند وحدت و مبارزه اند.»<sup>4</sup>

همانا بدین علت بود که حزب کمونیست البانی در آغاز در مورد «بالی کمبتار» تاکتیکی اتخاذ کرد که در مواد زیرین خلاصه می شد: باید شعار شکست آوری را که می گوید «هنوز وقت اسلحه به دست علیه ایتالیایی ها فرا نرسیده است» افشاء کرد، باید از «بالی کمبتار» علناً خواست که وحدت کلیه نیرو های ضد فاشیستی کشور را بر اساس مبارزه بیدرنگ، بی قید و شرط و عاری از سازش علیه اشغالگران فاشیست ایتالیایی بپذیرید، باید از «بالی کمبتار» خواست که تبلیغات خود را به ضد حزب کمونیست و کمونیسم فوراً قطع کند، باید در مسائل مربوط به مبارزه با اشغالگران با «بالی» تماس گرفت و از آن عده از رؤسای بالیست که به فاشیسم و خیانت آلوده شده اند، پرده بردارد.

منظور حزب از این تاکتیک آن بود که در صفوف «بالی کمبتار» تفاوت بگذارد و کلیه کسانی را که هوادار مبارزه علیه اشغالگرانند به این مبارزه بکشانند، مجموعه «بالی» را از پائین مجبور کند که به جنبش رهاییبخش ملی بپیوندند، از سیاست ضد ملی و روش رؤسای بالیست که می خواهند دو دوزه بازی کنند پرده بردارد، کلیه کسانی را که جلو وحدت خلق و مبارزه علیه اشغالگران را می گیرند به دست توده ها محکوم و منفرد گرداند.

ضعیف ترین نقطه، تاکتیک «بالی کمبتار» به ویژه در مسأله مبارزه مسلحانه بی قید و شرط علیه اشغالگران ایتالیایی بود زیرا که «بالی» در واقع با این مبارزه مخالفت داشت. از این جهت برای این که سران بالیست افشاء شوند حزب کمونیست البانی تصمیم گرفت که حمله اصلی خود را همانا بدین نقطه متوجه سازد. می بایست توده های خلق که خواستار پیکار با اشغالگران بودند به تجربه خویش به این اعتقاد برسند که «میهن پرستی» سران بالیست پوچ است و سخن پردازی های «میهن پرستانه» آنها چیزی دیگری جز عوام پرستی محض نیست.

کمیته مرکزی حزب کار البانی که چنین تاکتیکی را در مورد «بالی کمبتار» اتخاذ کرد به سازمان های حزب دستور داد که رهنمود های وی را دقیقاً به موقع اجراء گذارند. به عقیده وی روشی که می بایست در قبال «بالی کمبتار» در پیش گرفته شود مسأله ای بسیار بغرنج و مستلزم وقت فراوان بود. کمیته مرکزی توصیه می کرد که با شکیبایی و روشن بینی عمل شود، در همه حال خونسردی کامل به کار رود، از دام گستری ها و فتنه انگیزی های دشمن پرهیز شود، بیوسته در مدنظر باشد که:

«ما نمیتوانیم به تنهایی به نبرد برخیزیم بلکه باید همراه قاطبه خلق باشیم، از این جهت باید مسأله ارتباط خود با ناسیونالیست ها را بسیار جدی بگیریم.»<sup>5</sup>

از طرف دیگر، کمیته مرکزی دستور می داد که نباید از راهی که معین شده است یک قدم به عقب نشست. زیرا که وحدت کلیه نیرو های کشور را نمی توان تحقق بخشید مگر بر اساس مبارزه مسلحانه بی قید و شرط علیه اشغالگران، نه به وسیله چانه زدن با ناسیونالیست ها، و «نبايد گذاشت (حتی یک سر مو) به اعتبار حزب ما لطمه وارد آید و نباید

<sup>4</sup> - انور خوجه. نامه به کمیته منطقه ای حزب کمونیست البانی در کورجا. جنوری ۱۹۴۳. جلد اول صفحه ۱۷۱

<sup>5</sup> - همانجا، صفحه ۱۷۴

اجازه داد که چوب لای چرخ مبارزهٔ رهائی بخشملی گذاشته شود... بلکه باید دور خیز آنها (یعنی بالیست ها - هیأت تحریر) را نخست با استدلال و اقناع سپس با توسل به «زور» (۶) در هم شکست». ۷

وضع‌ی که پس از تشکیل «بالی کمبتار» پیش آمد برای حزب و مبارزهٔ رهائیبخش ملی متضمن خطرات بسیار بود. در قشر های مختلف اهالی، تا حدی آشفتگی سیاسی دیده می شد. بالیست ها با عوام فریبی و ارعاب توانستند بخشی از مردم را به ویژه در روستاها به خود جلب کنند. عده ای از دهقانان متزلزل از جبههٔ رهائیبخش جدا شدند و به «بالی» پیوستند. در چنین شرایطی انورخوجه توصیه می کرد که «دقت بسیار و بسیار» به کار برده شود. «اگر ما بتوانیم با موفقیت» از این وضع «بیرون آئیم آرمان ما پیروز شده است؛ و اگر گامی به خطا برداریم نابود خواهیم شد». ۸

ادامه دارد...

---

۶- در متن به فرانسه نوشته شده است: *maniere faste* - هیأت تحریر  
۷- انور خوجه، نامهٔ کمیتهٔ مرکزی به کمیتهٔ منطقهٔ ئی حزب کمونیست البانی در ژیروکاسترو، ۲۳ فیروری ۱۹۴۳، جلد اول صفحهٔ ۱۹۸  
۸- همانجا صفحهٔ ۱۹۹